

دگرگونی

در ساختار قدرت در ایران

دکتر کاظم علمداری

دولت احمدی نژاد با ترویج گسترشده خرافه پرستی و توزیع پول در میان گروه های فرو دست جامعه، کوشید تا آن ها را علیه طبقات میانی جامعه بشوراند. اما برخلاف شعارهای انتخاباتی، و ظاهر توده گرایش، دولت نهم یکی از فاسد ترین دولت های جمهوری اسلامی بوده است.

سرکوب، مرعوب کردن، و انفعال طبقات میانی و اصلاح طلب جامعه از یک سو، و پشتیبانی مالی برای فعال کردن طبقات تحتانی و مدافعت ولایت فقیه، و تبلیغ خرافه پرستی دینی، از دگرسو، و همچنین ایجاد تنفس دائمی و عمدی با دنیای غرب، اساس آموزه (دکترین) دولت احمدی نژاد بوده است. با توزیع پول و «سفرهای استانی»، و ادا و اطوار توده وار، مانند چاپ عکس با لباس رفتگوی در میان رفتگران، و نمایش نان و پنیر خوردن رئیس جمهور وغیره، «مثلت قدرت» تصور می کرد احمدی نژاد در میان مردم پایه وسیعی پیدا کرده است و بار دیگر به ریاست جمهوری می رسد. پس در صدد گرم کردن تنور انتخابات دوره دهم و مشارکت حد اکثری مردم برآمدند تا مشروعیت و محبوبیت خود را به نمایش بگذارند.

اما برخلاف تصور آن ها، توزیع پول و

نظام، در عین محروم کردن اکثریت مردم (غیر خودی ها) از حقوق خود بود. «مثلث قدرت» این ساختار را به حاشیه رانده است. در ساختار جدید، رهبری نقش تعادل بخشی نظام را از دست داده و به یکی از مراکز هدایت سرکوب ها بدل شده است.

طبقات میانی، مُدرن، تحصیل کرده، شهروندی و نسل جوان که پس از دوم خرداد ۷۶ به اصلاح رژیم امید بسته بودند، با انتخابات مهندسی شده شورای نگهبان، و نقش افرینی سپاه و

ساختار قدرت سیاسی در سی سال عمر جمهوری اسلامی از پوپولیسم (توده گرایی)، به کلاینتالیسم (حامی گرایی) و اکنون به میلیتاریسم (نظمی گرایی) تحول پیدا کرده است. ساختار مثلث قدرت (خامنه ای، سپاه، احمدی نژاد) برخلاف اشکال پیشین بسیار شکننده است. چرا؟

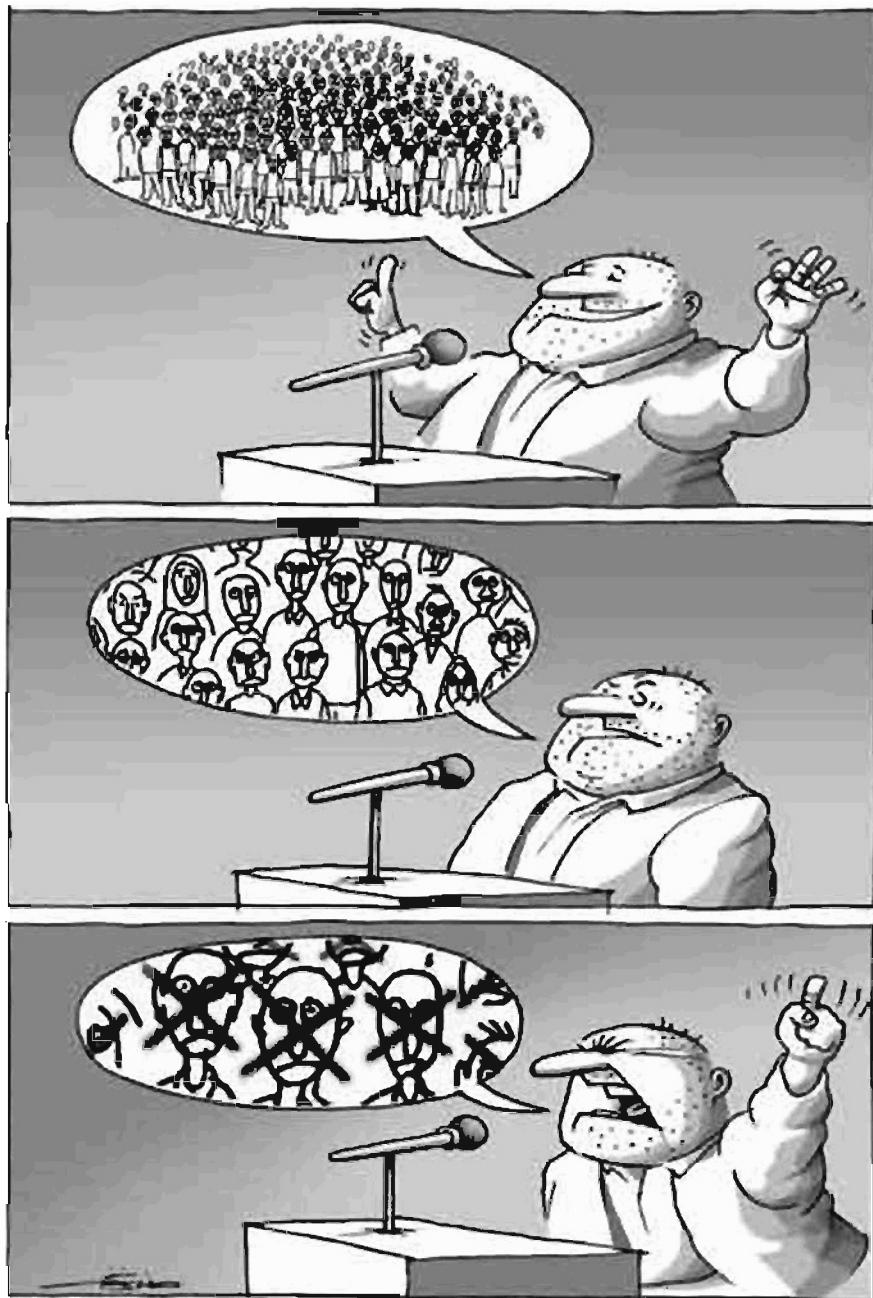
در پوپولیسم دهه اول، قدرت در رهبری بی همتا و کاربزماتیک آیت الله خمینی مرکز بود. بطوری که کمتر کسی می توانست خلاف میل و

فرو ریختن شیرازه جامعه و امنیت اجتماعی به سود مردم و دمکراسی نیست. مردم باید چگونگی پرهیز از خشوفت و معافعت از هرج و هرج اجتماعی را فرا بگیرند.

دولت سایه کثار زده شدند. طرفداران ولایت فقیه دریافته بودند که تنها «توده ها» ادعای الهی بودن حکومت آن ها را می پذیرند. بنابراین، با شکرد تکیه بر شعار مقابله با فقر و فساد و بی عدالتی، و تقسیم پول نفت، دولت «عوام گرای» احمدی نژاد را به قدرت رسانندند. این شکرد حتی برعکس از چپ گراهای ایرانی و غیر ایرانی ضد امریکا را نیز سر در گم کرد. در عمل، منزلت، و منابع ثروت، رمز پایداری

و شعارهای عوام فریب، نارضایتی های جدیدی به بار آورد. توزیع پول بطور همزمان از جمله عامل رشد گرانی اجناس (تورم) و بیکاری بیشتر شد. مشکلات اقتصادی، اشکار شدن وعده های دروغین احمدی نژاد، شخصیت نامتعادل و خود شیفتة او، و ادامه فریب کاوی در مناظره های تلویزیونی، مردم را علیه او بسیج کرد، و احتمال انتخاب مجدد او را از بین برد. جناح خامنه ای تصویر نمی کرد که با باز شدن فضای سیاسی برای گرم کردن تنور انتخابات، این چنین مردم واکنش نشان بدهند و جنبش وسیع اجتماعی شکل بگیرد. بنابراین، به تقلب متول شدند. با تقلب در انتخابات، کاسه صبر مردم علیه اختناق و دروغ شکست و مردم به خیابان ها آمدند. مثلث قدرت بر آن شد که با سرکوب خونین و خارج از تصویر، اختناق را حاکم کند. اما کاربرد سرکوب، به جای انکه بتواند مردم را مروع و جنبش را منکوب کند، اقتدار و مشروعیت نظام را بیش از پیش از بین برد؛ بطوریکه از آن پس رژیم تنها با سرکوب روزانه مردم قادر به ادامه حکومت بوده است.

بدین گونه دامنة بحران گسترده شد. تلاش عناصر و گروه های «اصول گران» برای مهار بحران تاکنون به جایی نرسیده است. پیشنهاد میانجی گری و طرح به اصطلاح «اتحاد ملی» توسط افراد مورد اعتماد رژیم با تماسخ کودتاگران روبه روی شده است. ارزیابی کودتاگران این است که هر نوع عقب نشینی در برابر خواست های مردم، نظام را به پایان خود نزدیک می کند. ارزیابی اصول گراهای متقد دولت احمدی نژاد این است که با سرکوب



نمی توان مشروعیت و اقتدار کسب کرد، و شکاف های درونی سقوط می کنند. جمهوری اسلامی از این قاعده جدا بر عکس، ادامه سرکوب ممکن است کلیت نیست. با ادامه سرکوب ها بطور طبیعی افراد سالم و ناآلوهه به فساد و جنایت دلیلی نمی بینند که با حاکمیتی که رو به افول است باقی بمانند. گذشته از بحران داخلی، کاهش اشتباہ محاسبه خود ادامه انحصار گری، درآمد نفت که دولت احمدی نژاد سخت

جنبش سبز باید مدام روی خواست های اصولی و قانونی به عنوان حق مسلم مردم برای تعیین حکومت مطلوب شان پافشاری و تبلیغ نماید.

سبز باید بی در پی به حاکمیت در مورد عواقب سیاست های سرکوب گرایانه و خشونت بارش هشدار دهد تا افراد سالم با دید باز آینده خود را از مسببین اصلی جرم و جنایت جدا کنند. و بالاخره جنبش سبز باید مدام روی خواست های اصولی و قانونی به عنوان حق مسلم مردم برای تعیین حکومت مطلوب شان پافشاری و تبلیغ نماید. ولی در رأس همه، جنبش سخن پایانی اینکه فرو ریختن شیرازه سبز باید بی گیر عملی نمودن برگزاری تظاهرات آرام و سراسری خیابانی باشد. این نمایش برای هر دو سوی جبهه مردم و حاکمیت لازم است.

بر یگانگی آن ها غلبه کند و سپاه و رهبری قانع شوند که برای حفظ نظام در صدد حذف احمدی نژاد برآیند که آن نیز نتایج خود را در پی خواهد داشت. جنبش سبز باید نسبت به این رخدادهای محتمل سیاست گذاری، و برای پروسه تحول به دمکراسی برنامه ریزی کند و گام های عملی نشان دهد.

به آن وابسته شده است و احتمال تحریم های بیشتر، جمهوری اسلامی بیش از همیشه در جهان منزوی شده است، و برخلاف گذشته که تنش رژیم با غرب به یگانگی درونی آن ها حکم می کرد، اکنون این تنش به اهرم ایجاد شکاف بیشتر در درون نظام بدل شده است.

کوتاه سخن اینکه این وضعیت استثنایی قابل دوام نیست. برگشت به وضعیت قبل از انتخابات نیز منتفی است. دو گزینه می تواند رخ دهد: ممکن است مثلث قدرت به فشارهای درونی و بیرونی اعتنا نکند و تا حذف کامل خود ایستادگی نمایند؛ و یا ممکن است اختلاف درونی اصول گرایان

5K Fun Run/Walk

BEGIN THE NEW YEAR with a Great New Year Resolution!

For the ENTIRE FAMILY!!

Date: Sunday,
January 10, 2010

Registration: 11:30 a.m.
Run begins at 12:00 Noon

Location: UH's Lynn Fazan Park
Next to UH Hilton
Entry fee: \$5 per Person

For more information,
visit siawe.org
Or call 713.416.4900
Please RSVP at
rsvp@siawe.org



SPONSORED BY:



Society of Iranian American Women
for Education



Iranian American Medical Association



University of Houston
Department of Industrial
Engineering